دانش

ایدز در سال ۲۰۰۶ ..... ۲۸

دانش

تاملی در ادعای کشف داروی ایدز . ۲۸

خانه

کوسن با چاپ دستی ۲۹

جامعه

نمایشگاه ارتباطی با وزارت علوم نداشت ۳۰

با احیای خط تلفن ۱۲۳ نظارت سازمان بهزیستی گسترش می‌یابد

تغییرات در مهدهای کودک آرمانی یا عملی

نلی محجوب

در دود و دم صبح تهران یا در هر شهری که باشی بخواهی بروی سرکار، و بچه‌ای کوچک داشته باشی که مدرسه‌رو نباشد، گاهی وقت‌ها حتی بالاجبار باید بسپاری‌اش به مهدکودک. حالا ممکن است به مهدکودک تحت پوشش محل کارت بسپاری یا اینکه به مهدکودک‌های خصوصی و . . .

هیچ فرقی نمی‌کند پدر باشی یا مادر، هر روز صبح باید بچه را بغل کنی و در حالی که چشم‌هایش را می‌مالد ببری و بسپاری‌اش به مهدکودک اما گاه از خلال همین مهدهای کودک به جای تربیت و پرورش، اخلاق و رفتار کودک ناامیدکننده می‌شود. بهزیستی تهران که نظارت بر مهدکودک‌ها را بر عهده دارد معتقد است که نظارت کامل صورت می‌گیرد و نظارت بر بیش از ۹ هزار مهدکودک از ۱۰ هزار و ۶۰۰ مهدکودک فعال در سراسر کشور را بر عهده دارد. سیدمحمدحسین جوادی مدیرکل امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی- که کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی است- در مورد برنامه‌های مختلف برای نظارت بر مهدها می‌گوید: سازمان از استان‌های مختلف گزارش عملکرد دریافت می‌کند و مورد بررسی و نظارت فنی قرار می‌دهد. همچنین کارشناسان امور کودک و نوجوان، مهدها را مورد بازدید و بازرسی قرار می‌دهند. این بازدید غیر از بازدیدی است که از ستاد برای بازرسی مهدهای کودک سراسر کشور انجام می‌شود، به گزارش‌های موردی شهروندان نیز ترتیب اثر داده می‌شود، و بازرسی در زمینه‌های خاص هم صورت می‌گیرد، نظارت دیگری نیز از سوی مهدهای کودک انجام می‌شود، یعنی کانون توسعه همیاری در مهدهای کودک بخشی از نظارت را بر عهده دارند.

هر چند با توجه به مشکلات موجود در مهدها به نظر می‌رسد این روش‌ها نمی‌تواند پاسخگوی شرایط حاضر باشد. جوادی با تائید این موضوع می‌گوید: هم اکنون نسبت به سال ۸۰ که پنج هزار مهد فعال بود رشدی ۲۰۰ درصدی داشته‌ایم و باید به طور طبیعی از نظر نیروی انسانی هم قوی‌تر می‌شدیم. اما نه‌تنها این اتفاق صورت نگرفته بلکه ضعیف‌تر هم شده است. یعنی سمت کارشناس مسئول حذف و تبدیل به کارشناس شده است.

به عبارتی به جای ارتقا تنزل یافته‌اند و گاه هر کدام از این کارشناسان در چندین حوزه فعالیت دارند. در حال حاضر حدود ۱۵۰ نفر در سطح کشور با پست‌های مربوط به امور کودکان و نوجوانان سازمان روی فعالیت مهدها نظارت دارند که گاه در دفاتر زنان و خانواده و امور اجتماعی هم فعال هستند. ما از نظر تعداد نیروی انسانی ضعف داریم این تعداد نیرو در حقیقت برای هزار مهد در نظر گرفته شده بود، نه برای ده هزار و ۶۰۰ مهد. بنابراین لازم است که این نیرو تقویت شود ولی ما با این نیروهای حاضر هم کار نظارت را انجام می‌دهیم. اما از طرفی قرار است این نظارت‌ها از طریق کانون توسعه همیاری انجام شود و در واقع نوعی نظارت مهدهای کودک بر یکدیگر باشد که اجرای آن کار ساده‌ای نمی‌تواند باشد. جوادی می‌گوید: به هر حال باید از پتانسیل‌ها بهره ببریم که با آموزش و بالا بردن آگاهی می‌توان به هدف رسید. البته برخی معتقدند که نمی‌توان با مهدکودک خاص روی مهد دیگر نظارت داشت ولی من معتقدم باید تمرین کرد که جامعه را ناظر بر رفتار خود بدانیم. هر چند چنین نظارتی می‌تواند در بسیاری از جوامع به سادگی صورت بگیرد ولی واقعیت این است که ما هنوز برای جایگزینی ضوابط بر روابط دچار مشکل هستیم. جوادی می‌گوید: این آغاز راه است و هنوز طرح منسجم ارائه نکرده‌ایم، باید روی آن کار کنیم چون در حال حاضر پتانسیل قوی دیگری نداریم. در حال حاضر در استان‌ها ۳۰ کانون توسعه همیاری فعالند و مهدهای کودک عضو این کانون دارای هیات مدیره‌اند و در بخش‌های مختلف هم کمک ما هستند. از جمله بالا بردن آگاهی اجتماعی، وضعیت کودکان، آگاه‌سازی خانواده‌ها و جامعه و در برگزاری همایش‌ها و جشنواره‌ها هم همکاری دارند. ولی در بعد نظارت به صورت مستقیم فکر می‌کنیم و یکی از انتقادات هم همین موردی است که به آن اشاره کردید. در حال حاضر در این فکر هستیم که به بهترین وجه ممکن از این نظارت استفاده کنیم.

مسئله نظارت بر مهدها یکی از مشکلات والدین است. چون برخی از آنها از چگونگی رفتار با کودکان شکایت دارند. بسیاری از آنها نمی‌دانند به چه مرکزی باید مراجعه کنند از طرفی می‌توانند یکی از بهترین ناظران باشند و با بازرسان در ارتباط قرار بگیرند تا مشکلات کار کمتر شود. بسیاری از مواقع پس از شکایت زمانی بازرسان به مهد مراجعه می‌کنند که همه چیز تغییر کرده است. جوادی می‌گوید: این را قبول دارم که در برخی موارد کارشناسان نظارت جامعی ندارند اما با نظارت‌های پی در پی از طرف سازمان و بررسی بر نظارت‌ها این نقیصه هم برطرف خواهد شد. همچنین برنامه همه‌جانبه‌ای را در زمینه نظارت طراحی کرده‌ایم که در واقع کارشناسان آموزش می‌بینند تا فرم‌های نظارتی را پر کنند که این فرم‌ها و نظارت بازرسان متفاوت نباید با یکدیگر متفاوت باشد. بنابراین رویکردی یکسان در نظارت خواهیم داشت و در این خصوص فرم‌هایی را تدوین کرده‌ایم که از مرداد‌ماه به شکل نهایی ارائه خواهد شد. برای نظارت کامل و مداوم خطوط تلفنی در اختیار خانواده‌ها قرار می‌گیرد و ما هم پیگیر امر هستیم. حتی به دنبال این هستیم که بخش نظارتی را در قالب خط تلفن کودک به عنوان خط ۱۲۳ که راهنمای کودک است گسترش دهیم و این خط یک خط مشترک و یکسان در سراسر کشور خواهد بود تا والدین و کودکان بتوانند مستقیم با ما در ارتباط باشند و شکایت‌ها و تخلفات و پیشنهاداتشان را عنوان کنند. در خصوص شکایت والدین می‌توانند مستقیماً با خود من تماس بگیرند و من از این نوع ارتباط هم استقبال می‌کنم. به عقیده من خود والدین بیشترین نقش نظارتی را دارند. به مهدها هم گفته‌ایم که بهترین شیوه در تعلیم و تربیت کودکان برنامه‌ریزی مبتنی بر خانواده است به طوری که خانواده درگیر برنامه‌ها باشد در غیر این صورت آموزش کیفیت لازم را نخواهد داشت. حتی در تهیه محتوای آموزشی برنامه مبتنی بر نظارت والدین است. واقعیت این است که والدین ناظر مستقیم هستند. بچه‌ها که از مهد بیرون می‌آیند آینه تمام‌نمای مهد خواهند بود. والدین باید به رفتار فرزندانشان توجه کنند. در مورد شکایت‌هایی هم که اشاره شد ما به ازای هر ناظر مجدداً بازرسانی به مهدها می‌فرستیم و اگر در بازرسی اول مورد شکایت مشهود نشد در بازرسی‌های دیگر به آن توجه می‌شود. چون برخی از موارد مانند بلند صحبت کردن ممکن است در یک بازرسی دیده نشود اما بررسی‌ها و بازرسی‌های مکرر خود مانع چنین رفتاری خواهد بود. اما یکی از مهم‌ترین دلایلی که سبب تخلف می‌شود عدم آموزش کافی مربیان است. بنابراین دوره‌های آموزشی اجباری پیش‌بینی کرده‌ایم که طی آن آگاهی و مهارت‌ها را ارتقا بدهیم. این مشکل به مدیران مهد هم بازمی‌گردد بسیاری مواقع مربی در انجام تخلف نقشی ندارند و مدیران عامل برخوردهای نامناسب با کودکان هستند. بنابراین بهزیستی نباید به این موضوع کم توجه باشد. جوادی می‌گوید: مدیران مهد در حال حاضر باید در رشته‌های مرتبط مثل علوم اجتماعی، روانشناسی، مددکاری و مشاوره تحصیلی کرده باشند. البته ما به این هم اکتفا نمی‌کنیم و کارورزی هم یکی از این مسئولیت‌ها است که باید مدتی را به عنوان کارورز در مهد فعالیت کنند. البته اگر مدیران مهد تحصیلات مرتبط داشته باشند به دوره کارورزی نیازی نخواهند داشت. دوره کارورزی یک ماه پیش بینی شده است و برای مدیرانی که تحصیلات غیرمرتبط دارند اما شرایط احراز این شغل را دارند سه ماه کارورزی یعنی ۱۳۲ ساعت پیش‌بینی شده است. در آئین‌نامه جدید هم برای مربیان حداقل تحصیلات دیپلم مورد نیاز است. و مربی باید ۲۰۴ ساعت دوره‌های روانشناسی رشد کودک، قصه‌گویی، و . . . (سرفصل‌های آموزشی تعیین شده) را بگذرانند. البته سال گذشته بخشنامه‌ای در این زمینه برای استان‌ها فرستاده شد و ما هم پیشنهاد دادیم که اگر موافقت شود با تخصیص بودجه باید دوره‌های آموزشی تعیین شده را بگذرانند. با وجود همه این موارد و دوره‌ها باز هم تاکید ما بر نظارت والدین است چون محصول تربیت شده به خانواده وارد می‌شود و آنها باید نظارت کنند و فقط به حضور این بچه‌ها در مهد اکتفا نکنند. والدین باید از برنامه فرزندانشان اطلاع داشته باشند. در مهد حس مشارکت بچه‌ها تقویت می‌شود و رفتار اجتماعی کودک شکل مناسبی می‌گیرد بر این اساس نباید فقط والدین شاغل فرزندانشان را به مهد بسپارند. در حقیقت حضور بچه‌ها در مهدکودک نقش بسیار مهمی را در آینده آنها خواهد داشت. این موضوع نیز مورد تاکید فاطمه قاسم‌زاده - مشاور و متخصص روانشناسی کودک- نیز قرار دارد و می‌گوید: حضور کودک در مهد معمولاً از سه سال به بعد مفید خواهد بود چون پیش از این سن بچه‌ها دوره‌ای را می‌گذرانند که به رشد خودمحوری معروف است و در این دوران با محیط ارتباط برقرار نمی‌کنند. البته تنهایی را دوست ندارند و مایلند در کنار یکدیگر باشند اما با محیط ارتباط برقرار نمی‌کنند. بنابراین چنانچه مادر شاغل نباشد معمولاً ضرورتی ندارد پیش از این سن به مهد برود اما بعد از سه سال چه مادر شاغل باشد چه نباشد برای رشد طبیعی اجتماعی بچه‌ها بودن با هم‌سالان خود در مهد یک ضرورت محسوب می‌شود. قاسم‌زاده چهار جنبه رشد همه جانبه کودکان پیش دبستانی را این گونه برمی‌شمرد: رشد جسمی، شناختی یا ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودکان به رشد جسمی و شناختی در خانه هم می‌توانند دست پیدا کنند اما رشد عاطفی- روانی و اجتماعی نیاز به محیط طبیعی دارد که بچه ارتباط با دیگران را در عمل انجام بدهد و مشکلاتش برطرف شود و خصوصیاتی مثل استقلال در چنین محیطی شکل می‌گیرد. در گذشته در خانواده‌ها تعدد بچه‌ها سبب می‌شد به نوعی ارتباطات بیشتری داشته باشند ولی در حال حاضر خصوصاً در شهرهای بزرگ که خانواده گسترده نیست ضرورت حضور کودک در مهد بیشتر احساس می‌شود. گذشته از موضوع چگونگی رفتار مسئولان و مربیان مهد موضوع تعرفه‌های مهد نیز از جمله مواردی است که برای خانواده‌ها مشکل ساز است که در هیچ یک از مهدکودک‌ها تعرفه‌ای ارائه نمی‌شود. هر مهد به ازای خدماتی که خود تعیین می‌کند و ارائه می‌دهد، نرخ متفاوتی دارد حتی نرخ دویست و پنجاه هزار تومان هم در مهدکودک‌ها به چشم می‌خورد. برخی مهدها نرخ پایه‌ای را در نظر می‌گیرند و بعد به ازای هر برنامه و کلاس نرخی را اضافه بر آن قیمت پایه دریافت می‌کنند. جوادی در توضیح می‌گوید: یکی از دلایل تفاوت قیمت در برخی از مهدهای کودک این است که در تعیین تعرفه منطقی اقدام مناسب صورت نگرفته است تا براساس هزینه‌ها تعرفه را تعیین کند و ما این بعد کار را امسال انجام داده‌ایم اما با رویکردی که دولت در خصوص تثبیت قیمت‌ها دارد اقدامی صورت نداده‌ایم و نرخ جدید را اعلام نکرده‌ایم. اگر هزینه‌های مهدهای کودک به صورت منطقی دیده شود، وظیفه‌شان این است که نرخ تعرفه شهریه را در معرض دید والدین قرار دهند، که در صورت خودداری از این امر تخلف محسوب می‌شود و با آنها برخورد می‌کنیم و اخطار می‌دهیم و بدون تعارف در مقابل تخلفات مهدها را تعطیل می‌کنیم. اما چون تعرفه منطقی دیده نشده همه این مشکلات وجود دارد ولی با وجود اینکه از تعرفه بحث می‌شود ولی در عمل تعرفه‌ای وجود ندارد همانطور که ضوابطی برای تعداد کودکان در یک کلاس نیز دیده نمی‌شود. جوادی می‌گوید: البته امسال هنوز به دلیل برنامه و سیاست دولت برای تثبیت قیمت‌ها مهدکودک‌ها با تعرفه سال گذشته ثبت‌نام کردند که قیمت‌ها براساس چهار منطقه تعیین شده است و این میزان با کمی تغییرات اعمال می‌شود به عنوان مثال برای مناطق یک تا هشت شهرداری برای شیرخوار مبلغ ۵۵ هزار تومان و نوپا و نوباوه ۴۶ هزار تومان دریافت می‌شود، برای مناطق ۹ تا ۱۴ به ازای هر شیرخوار ۵۴ هزار تومان و برای نوپا و نوبا مبلغ ۴۵ هزار تومان که به ازای نیمه‌وقت بودن هزار تا دو هزار تومان تغییر قیمت دیده می‌شود. در خصوص تعداد بچه‌ها به ازای هر ۱۰ کودک یک مربی و یک کمک‌مربی و به ازای هر ۱۵ نوپا یک مربی و یک کمک‌مربی. به طور کلی هر ۱۰۰ کودک ۱۸ نفر نیرو اعم از مدیر، معاون، مربی، کمک‌مربی و خدمتگزار در نظر گرفته می‌شود.

بحث دیگری که در خصوص مهدهای کودک وجود دارد مسئله آموزش و عدم برنامه یکسان آموزشی است که ارتباط مستقیم با مدیر مهد یا خلاقیت او در ارائه برنامه‌ها دارد. این عدم یکسان‌سازی خود مشکلات متعددی را در پی دارد در حالی که کودکان در مرحله آموزش و فراگیری هستند و آماده‌سازی در مرحله پیش دبستان باید به صورت یکسان انجام شود، تا تاثیرات مثبت بر رشد و تربیت آنها داشته باشد و از طرف دیگر تاثیراتی که کودکان در چنین محیط‌هایی از یکدیگر کسب می‌کنند. قاسم‌زاده در این زمینه می‌گوید: هر محیطی به هر حال تاثیرات مثبت و منفی دارد، مهدها به عنوان محیط‌های آموزشی بهتر می‌توانند این تاثیرات را کنترل کنند و به حداقل برسانند که البته این امر به کیفیت مهد مربوط است. باید در نظر داشت برخی از مهدها بیشتر جنبه نگهداری دارند و حتی در خصوص نگهداری و نظافت بچه‌ها هم حساسیت کمتری دارند و برنامه آموزشی خاصی هم ندارند، طبعاً جنبه‌های منفی در چنین محیطی بیشتر به وجود می‌آید. وقتی بچه‌ها سرگرم نباشند و برخورد مناسبی هم با آنها صورت نگیرد مشکلاتی به وجود می‌آید ولی اگر محیط رفتاری و آموزشی مناسبی حاکم و مهیا باشد، مشکلات بسیار کمتر دیده می‌شود که به کارگیری روش‌های مناسب بازی و سرگرمی در این امر بی‌تاثیر نیست. در چنین شرایطی جنبه‌های منفی رفتاری به تقلید بازمی‌گردد، باید توجه داشت که بچه‌ها خیلی زود تحت تاثیر قرار می‌گیرند و این تقلید به خصوصیات فردی آنها بازمی‌گردد و امری کاملاً نسبی است و به تربیت خانوادگی و رفتارهایی که با بچه‌ها صورت می‌گیرد بازمی‌گردد. مدیرکل امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی می‌گوید: از امسال بحث یکسان‌سازی محتوای آموزشی را شروع کرده‌ایم تا در کلیه مهدهای کودک یک پایه محتوای آموزشی داشته باشیم یعنی در تمام کشور در مهدها برنامه‌ای یکسان ارائه شود. البته خلاقیت مربی‌ها و مسئولان به جای خودش باقی است و این طرح جلوی خلاقیت آنها را نخواهد گرفت. این طرح که امسال تصویب شده در دو استان اصفهان و خراسان‌رضوی اجرا می‌شود و طبق اجرای آن سال آینده این برنامه به شکلی یکپارچه عملی خواهد شد، این دو استان هم به دلیل دانشکده‌های مختلف در زمینه‌های روانشناسی و علوم تربیتی و محتوای آموزشی خوب مهدها انتخاب شده‌اند البته موضوع خلاقیت در کودکان از جمله مباحث اساسی است که در مهدها کمتر به آن توجه می‌شود. قاسم‌زاده می‌گوید: در جامعه ما خلاقیت پدیده شناخته شده‌ای در محیط‌های آموزشی نیست و معمولاً سرکوب می‌شود، چه در خانواده و چه در محیط‌های آموزشی. در این میان در مهدها به دلیل نداشتن امتحان و نمره و روش خاص، آزادی عمل بیشتر است. البته بهزیستی مواد آموزشی را ارائه می‌دهد ولی به نسبت مدرسه امکان بروز خلاقیت بیشتر است. اما به دلیل عدم شناخت خلاقیت در فعالیت‌های دستی و نقاشی به دلیل بی‌اطلاعی مربی و ارائه الگو سدی جلوی خلاقیت کودک ایجاد می‌شود. برخی بر این باورند که حضور کودکان در مهدهای کودک در سنین پیش از سه سال مشکلات عاطفی و روحی را برای کودک به بار می‌آورد. قاسم‌زاده می‌گوید: این مشکل به مهدها بازمی‌گردد که کمتر می‌توانند خلاء عاطفی دوری از مادر را جبران کنند. پذیرش بچه‌ها بیش از تعداد استاندارد، با مربی‌های کمتر از حد استاندارد و گاه کم‌تجربه و نداشتن رفتار صبورانه و مادرانه یکی از مشکلات و موانعی است که بچه‌ها از محبت عاطفی برخوردار نمی‌شوند. البته این امر کلیت ندارد. از طرفی مادرها در نظام اجتماعی، تامین کمتری دارند. دو سال اول زندگی برای کودک بسیار تعیین‌کننده است و نقش مهمی در آینده او دارد. متاسفانه شرایط زندگی به گونه‌ای است که پدر به عنوان نان‌آور خانواده، ارتباط کمی و همچنین وقت کمی برای بودن در کنار کودک دارد و مادر هم نمی‌تواند دو سال هم شغلش را حفظ کند و هم با بچه باشد. آنچه به بچه‌های مادران شاغل لطمه می‌زند ساعات طولانی دوری از مادر است و برای بچه‌های زیر دو سال و یک سال مشکلات زیادی را می‌تواند ایجاد کند. خصوصاً مادر خسته که به خانه برگشته به دلیل مشغله در منزل فرصت جبران دوری و نشان دادن محبت را هم ندارد. به همین دلیل این مدت طولانی وابستگی شدید یا حالات اضطرابی بیشتر و ترس‌های بیشتر را ایجاد می‌کند هر چند می‌تواند خیلی به شکل عمده نباشد. به هر حال مشکلات عاطفی- روانی به همراه دارد. زنان ما کمترین میزان مرخصی پس از زایمان را در جهان دارند. مرخصی چهارماهه آنقدر کم است که مادر نمی‌تواند تا یک سالگی در کنار فرزند حضور داشته باشد آنچه لازم است اقدامات حمایتی از مادران است که در کنار حفظ شغل بتوانند در سه سال حساس زندگی فرصت رسیدگی و توجه به بچه را داشته باشند. اما مسئله رفتار نامناسب و اعمال خشونت با کودکان در برخی از مهدهای کودک، غذای نامناسب، سوختگی، مسمومیت و . . . نگرانی برخی از والدین را به همراه داشته است. جوادی می‌گوید: خانواده‌هایی که مشکلاتی از این دست دارند حتماً باید تماس بگیرند و با ما مکاتبه داشته باشند. در اسرع وقت به موضوع رسیدگی خواهیم کرد و فرقی نمی‌کند در استان‌ها باشد یا در تهران. همانگونه که اشاره کردم نظارت در برنامه جدید قوی‌تر خواهد شد و با احیای خط ۱۲۳ زمینه بازدارنده‌ای فراهم می‌شود. ولی در صورت اثبات تخلف تا تعطیل مهدکودک اقدام می‌شود. یکی دیگر از نکات در مورد مهدکودک‌ها تنوع در مالکیت آنها است، دولتی، خصوصی و خودکفا که نظارت بر هر یک می‌تواند متفاوت باشد. جوادی در توضیح این مورد می‌گوید: اگر بخواهیم تقسیم‌بندی کلان داشته باشیم این گونه است. اما همین مهدها شامل چندین نوع است مثلاً مهدکودک خصوصی شهری، روستایی، شبانه‌روزی، مدیریت پیمان، خیریه‌ای، مهدهای دولتی هم شهری و روستایی است. که بر همه اینها نظارت داریم و در برآورد شهریه دوازده نوع مهدکودک داریم. گرچه اداره مهدهای کودک در برخی مواقع دلخواه والدین نیست ولی تعدادی از مهدها با شرایط مناسبی اداره می‌شوند و سیستم آموزشی نمونه‌ای دارند. یکی از اقدامات باید گسترش سیستم آموزشی موفق این مهدها به سایر مهدهای کودک باشد. جوادی معتقد است با یکسان‌سازی محتوای آموزشی- با حداقل آموزش تعیین شده- این مشکل تا حدودی برطرف می‌شود و در توضیح می‌گوید: چون این برنامه‌ها در همه مهدها یکسان خواهد بود با انتقال بچه‌ها به مهد دیگر آموزش تکراری صورت نمی‌گیرد. یعنی هر ماه برنامه آموزشی خاصی در همه مهدها ارائه می‌شود که امیدواریم در سال آینده به اجرا درآید. خوشبختانه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی هم طرح را پذیرفته و همانطور که گفتم استان خراسان برنامه خود را برای کودکان صفر تا سه سال و استان اصفهان سه تا پنج سال تمام در دست اجرا دارند. برای بالا بردن سطح کیفی و علمی علاوه بر دوره‌های آموزشی سمینارهای علمی برای مدیران و مربیان برگزار می‌شود و همایش‌های منطقه‌ای نیز ترتیب می‌یابد. پنج همایش منطقه‌ای در سال جاری برپا می‌شود که یکی از ابعاد آن ارتقای وضعیت علمی مدیران و هم‌اندیشی مدیران مهدکودک است. از طرفی کانون‌های توسعه همیاری مهدهای کودک هم در راستای ارتقای وضعیت علم مربیان کارهای ارزنده انجام می‌دهند و نشست‌های ماهیانه و فصلی دارند و مدیران و مربیان را با دانش روز آشنا می‌کنند. اما به عنوان سخن آخر باید توجه والدین را به این امر جلب کنم که حضور کودکان آنها در مهدها تضمین‌کننده رفتار آنها در بزرگسالی است. پدران و مادران باید ضمن نظارت بر رفتار کودک با مربی و مدیر ارتباط تنگاتنگ داشته باشند و حتی در برخی برنامه‌ها مشارکت کنند.

عکس: میلاد پیلاسی، شرق

خلاصه گزارش

۱- نسبت به سال ۸۰ که پنج هزار مهد فعال بود رشدی ۲۰۰ درصدی داشته‌ایم و باید به طور طبیعی از نظر نیروی انسانی هم قوی‌تر می‌شدیم. اما نه‌تنها این اتفاق صورت نگرفته بلکه ضعیف‌تر هم شده است.

۲- در حال حاضر در استان‌ها ۳۰ کانون توسعه همیاری فعالند و مهدهای کودک عضو این کانون دارای هیات مدیره‌اند و در بخش‌های مختلف هم کمک می‌کنند.

۳- به دنبال این هستیم که بخش نظارتی را در قالب خط تلفن کودک به عنوان خط ۱۲۳ که راهنمای کودک است گسترش دهیم و این خط یک خط مشترک و یکسان در سراسر کشور خواهد بود.

نگاه

تصمیم دشوار برای ماهواره

روح‌الله نصرتی

«آنچه در ارتباط با ماهواره دارد اتفاق می‌افتد بر یک نگاه قابل دفاع مبتنی است. نیروی انتظامی به‌عنوان ضابط قانون می‌گوید قانونی وجود دارد که بر ممنوعیت استفاده از ماهواره تاکید کرده است. این قانون حالا بحق یا ناحق وجود دارد و مربوط به هر سالی هم که باشد مورد احترام است.»[1] سخنان بالا از آن وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است. این روزها از سخت‌گیری نیروهای انتظامی در برخورد با ماهواره سخن می‌رود. در واقع «سخت‌گیری» از آن جهت معنی می‌یابد که هر از چندی موضع دولت از حالت بی‌تفاوتی یا بی‌توجهی به بحث ماهواره به تحرکی مقطعی منجر می‌شود که عبارت است از مراجعه محترمانه به در منازل و درخواست جمع‌آوری دیش‌های پشت‌بام منازل مردم. اینکه پلیس تلاش می‌کند تا اقدام به جمع‌آوری ماهواره‌ها در فضایی دوستانه و محترمانه صورت پذیرد علاوه بر حفظ پرستیژ به مسئله مهمتری نیز مربوط است. مخالفان قانون ممنوعیت استفاده از ماهواره ساکت نمی‌نشینند. به خصوص آنانی که با نظام جمهوری اسلامی از سر خصومت می‌گویند هر اقدام محدودکننده‌ای را به منزله نقض حقوق شهروندی یا سخت‌گیری نظام تعبیر کرده و دست به تبلیغات منفی در سطح جهانی می‌زنند. در واقع پلیس در کنار توجهی که به انتقادات داخلی دارد- این انتقادات از سوی اشخاص و مراجعی که نگاهی آسیب‌شناسانه به کلیت مسئله دارند، مطرح می‌شود- بیشتر توجه خود را معطوف به جریاناتی ساخته است که به دنبال بهانه هستند و در کنار آن تلاش می‌کند تا ماموریت اجرایی‌اش و مفهوم ضابط قضایی را به مخاطب توضیح دهد. شاید بتوان گفت پلیس رضایت چندانی از نقشی که به او واگذار شده ندارد. فرمانده نیروی انتظامی نیز چندی پیش توضیح داد که آنان تنها مجری قانون هستند و همین سخن از زبان وزیر ارشاد نیز شنیده می‌شود. نارضایتی پلیس از آنجا نشات می‌گیرد که تصمیم‌گیرنده کس دیگری است و به تعبیر عامیانه، دردسر ماجرا برعهده نیروی انتظامی است. نیرویی که بیشترین اصطکاک را با جامعه دارد و کوچک‌ترین اشتباه، علاوه بر لطمه بر وجهه‌اش به پای نظام نوشته می‌شود. از این‌رو پلیس بسیار مراقبت می‌کند تا نیروهایش تخلف حتی در کوچک‌ترین سطوح نداشته باشند. سخنان شخصیتی چون صفارهرندی به روشنی موید این مطلب است. آنجا که می‌گوید: «[. . .] این قانون حالا بحق یا ناحق وجود دارد[. . .]» در واقع احتمال خطا در آن را می‌پذیرد. او بومی شدن و استفاده از ماهواره همراه با نظارت در کنار تجربه مالزی را پیش می‌کشد. هرچند در این راه‌حل با شک و تردید می‌نگرد: «[. . .] البته من هنوز نمی‌توانم بگویم این کار چقدر شدنی است [. . .].» محمدحسین صفارهرندی به غیر از موقعیت حقوقی‌اش شخصیتی است فرهنگی که از دریچه ایدئولوژی به مسائل نگاه می‌کند، شخصیت فرهنگی او حکم به استفاده از مزایای رسانه به‌ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای می‌دهد و نگاه ایدئولوژیک وزیر او را از تبعات ماهواره هراسان می‌سازد. این دقیقاً همان چالش یا علامت سئوالی است که ذهن سیاستگزاران فرهنگی را به خود مشغول داشته است. آنان هنوز نمی‌دانند با ماهواره چه باید کرد؟ علاوه بر محدود بودن زمان برای تصمیم‌گیری، اشتباه در محاسبات و وضع قوانین به دنبال آن مشکل‌ساز خواهند بود. با توجه به فراگیری روزافزون ماهواره در بین مردم و از آن طرف سرعت عمل و سیاست‌های هدفمند و مخرب سیاستگزاران شبکه‌های ماهواره‌ای هرچه در تعیین تکلیف نهایی تعلل صورت گیرد اوضاع از آنچه که هست بدتر خواهد شد. تصویب قوانین بدون کارشناسی لازم ممکن است نتایج معکوس به بار آورد. قوانینی که صرفاً در واکنش به اثرات نامطلوب ماهواره و پاسخ فوری به مخاطبان و رای‌دهندگان سنتی جامعه که بازخوردهای فرهنگ وارداتی از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای را روزانه در کوچه و بازار شاهدند و لب به اعتراض می‌گشایند به صحن علنی مجلس راه می‌یابند. شتابزدگی در تصویب و اجرای قوانین بهانه‌جویی مخالفان را به دنبال خواهد داشت و استفاده‌کنندگان از ماهواره در برخوردهای پلیسی و قضایی بدون توجیه قبلی و بعضاً تحت تاثیر تبلیغات یا اعتقادات شخصی، ناراضی خواهند بود. این نارضایتی کار ضابط قضایی را سخت‌تر می‌کند. به‌نظر می‌رسد تصمیم‌گیری در مورد ماهواره هر روز که می‌گذرد، دشوارتر می‌شود. چاره کار البته اراده جمعی است که در پایان کار مسئولیت‌پذیر نیز باشد یعنی آنجا که تدبیر، پاسخ مناسبی دریافت نکرد عده‌ای مدعی و عده‌ای مقصر به صف نشوند. گروهی حق به جانب مقابل مجلس تجمع نکنند تا نمایندگان را به اهمال و خطاکاری متهم کنند! در این میانه سیاستگزاران و مسئولین فرهنگی از قبیل نمایندگان مجلس، نیروی انتظامی، شخصی چون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و حتی نهادهایی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی در تنگنا قرار گرفته‌اند. نوعی تشتت در جامعه دیده می‌شود. با چنین دورنمایی، پرسشی که به ذهن می‌آید، توان مدیریت جامعه را مخاطب خود می‌سازد. آیا آنان می‌توانند راهی برای برون‌رفت از اوضاع حال حاضر پیدا کنند؟!

پی‌نوشت:

۱- سخنان صفارهرندی از شرق شماره ۸۳۸ نقل شده است.

فرشته قاسمی عزیز تولدت مبارک

آرزو می‌کنم هرکجایی، روزگارت پر از نور باشد
آرزو می‌کنم درد اگر هست، از تو و شهر تو دور باشد
آرزو می‌کنم چشمهایت، زشتی و زخم هرگز نبیند
آرزو می‌کنم هیچ رنجی، خنده روشنت را نچیند

از طرف برادر کوچکت باربد قاسمی